

نگاه کارشناس

روان‌شناس مدرسه به چه کار می‌آید

مه‌دی باقری

■ روان‌شناس مدرسه، باید با فرهنگ و آداب و رسوم اولیای دانش‌آموزان آشنایی داشته باشدو به میزان ارزش آموزش‌وپرورش در نزد آنها آگاه باشد. همچنین آگاهی به عوامل رشد، بلوغ، یادگیری و اصول آن، انگیزش، رشد شخصیت، روش‌های تدریس و ارزشیابی و بسیاری مسائل دیگر از وظایف و مسوولیت‌های روان‌شناس مدرسه است.روان‌شناس مدرسه برای اینکه قادر به درک و شناسایی دیگران باشد باید:

الف. به احساسات، عواطف، نیازها و به‌طور کلی شخصیت فردی خود (که با هر فرد دیگر متفاوت است) آشنایی و آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند به‌موقع رفتار خود را توجیه کند.

ب. قادر به شناسایی دیگران باشد تا بتواند به‌موقع احساسات، عواطف و رفتار آنها را درک و توجیه کرده و روابط لازم را با آنها ایجاد کند.

ج. با تفاوت‌های فردی آشنا باشد و دلایل موفقیت یا عدم موفقیت دانش‌آموزان را بشناسد تا در صورت لزوم به کمک و راهنمایی آنها اقدام کند.

د. با مشکلات زندگی گروهی آشنا باشد و به ناسازگاری‌ها و ناراحتی‌های دانش‌آموزان در شرایط مختلف آگاهی داشته باشد و بدون انتقاد و سرزنش درصدد کمک برای رفع آنها برآید.

روان‌شناس مدرسه،در داخل سیستم آموزش‌وپرورش کار و به دانش‌آموزان در زمینه‌های هیجانی، اجتماعی و تحصیلی کمک می‌کند. کار روان‌شناس مدرسه شبیه به کار روان‌شناس بالینی است که در محیط مدرسه انجام می‌پذیرد. هدف روان‌شناس مدرسه، کاربرد قوانین روان‌شناسی در مدرسه و همکاری با اولیا و معلمان و دانش‌آموزان در جهت ایجاد یک محیط آموزشی سالم با تمرکز بر نیازهای دانش‌آموزان است. روان‌شناس مدرسه با دانش‌آموزان هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی کار می‌کند و به آنها در برخورد با مشکلات رفتاری، مسائل آموزشی، ناتوانی‌ها و سایر جنبه‌ها کمک می‌کند. همچنین با اولیا و معلمان برای ایجاد روش‌هایی جهت تغییر رفتارهای نااینهازار و پنجار دانش‌آموزان خاتمه و سر کلاس کار می‌کند.

مسوولیت‌های روان‌شناس مدرسه

به‌طور کلی، می‌توان وظایف و مسوولیت‌های یک روان‌شناس مدرسه را چنین خلاصه کرد:

۱- نظارت بر رفتار دانش‌آموزان و راهنمایی آنها در بدو ورود به مدرسه

۲-اغلب دیده می‌شود که محیط آموزشی‌گاهی برای بعضی از دانش‌آموزان ملوس نیست، به‌طوری‌که دانش‌آموز به سختی می‌تواند جایی از خانه و خانواده را تحمل کند. در اینجا وظیفه روان‌شناس مدرسه است که در ایجاد سازگاری با محیط، معلمان را مورد راهنمایی قرار دهد و به دانش‌آموزان کمک‌های لازم را کند.

۳- کاربرد آزمون‌های روانی: دانش‌آموزان، از نظر هوش و استعداد و سایر خصوصیات با هم متفاوت هستند.بنابراین جهت آموزش آنها باید میزانی از توانایی هوش هر یک به دست آید تا پس از طبقه‌بندی‌شان به گروه‌های مختلف هوشی، آنها را در کلاس‌های مختلف قرار داده و برای هر گروه از آنها آموزش مناسب در نظر گرفته شود. پس روان‌شناس مدرسه باید با آزمون‌های روانی و کاربرد آنها آشنایی کامل داشته باشد و بتواند در طبقه‌بندی دانش‌آموزان، اولیای مدرسه را کمک کند. آشنایی با کاربرد آزمون‌ها جهت شناسایی کودکانی که در یک زمینه خاص مانند خواندن، درک ریاضیات و غیره مشکلاتی دارند و ایجاد تسهیلات لازم جهت کمک به آنها در فراگیری‌شان از دیگر وظایف روان‌شناس مدرسه است.

۴- نظارت بر تهیه پرسش‌های امتحانی و ارزشیابی‌ها: بعضی از آزمون‌های معلم‌ساخته و ارزشیابی‌هایی که به‌عمل می‌آید، میزان صحیحی از پیشرفت دانش‌آموزان به دست نمی‌دهد. در نتیجه عکس‌العمل‌هایی که ناشی از آزمون‌های نادرست است، موجب سرخوردگی و ناراحتی دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین، روان‌شناس مدرسه باید با راه‌های مختلف ارزشیابی آشنا بوده و در انجام آزمون‌ها نظارت دقیق کند.

۵- مصاحبه و تشکیل جلسات مشاوره:انجام مصاحبه انفرادی با دانش‌آموزان یا پدر و مادر با تشکیل جلساتی با حضور افراد خانواده برای رسیدگی به مشکلات و نارسایی‌های ارتباطی که در اغلب خانواده‌ها به چشم می‌خورد، از وظایف روان‌شناس مدرسه است.

۶-شنختن و راهنمایی کودکان استثنائی: شناسایی کودکان استثنائی و طبقه‌بندی آنها بر حسب هوشپهرش‌شان و آموزش لازم و مناسب در رفع بسیاری از سرخوردگی‌ها و ناراحتی‌های چنین کودکانی موثر است. وظیفه روان‌شناس مدرسه است که دانش‌آموزان را براساس هوشپهر و توانایی‌شان در طبقه خاص خود قرار دهد. همچنین کمک و راهنمایی دانش‌آموزانی که ناتوانجاری‌ها و نارسایی‌های عصبی، عضوی، ذهنی و عاطفی دارند از وظایف روان‌شناس مدرسه است.

۷- کمک و راهنمایی به معلمان، مشاوران و مددکاران: گاهی اوقات دیده می‌شود معلمان در رابطه با یکدیگر یا در رابطه با دانش‌آموزان دچار مشکلاتی می‌شوند. وظیفه روان‌شناس مدرسه است که در تمام موارد به این مشکلات رسیدگی کند و با مددکاران و مشاور مدرسه در تماس باشد.

۸- پژوهش: یکی از وظایف‌یکه اغلب برای روان‌شناس مدرسه قایلند، پژوهش است. با توجه به اینکه مدرسه می‌تواند بهترین آزمایشگاه برای پژوهش و بررسی باشد، روان‌شناس مدرسه با آشنایی کلی که با اصول تحقیق دارد، می‌تواند مطالعات انجام‌دهنده در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق را در مدرسه مورد بررسی و پژوهش قرار دهد.

می‌توان گفت که هر فردی در زندگی خود حداقل یک بار هم که شده عشق را تجربه می‌کند. عشق و عاشقی هیچ ارتباطی به سن و سال، جنسیت، شغل و موقعیت اجتماعی ندارد و تقریباً افراد در همه جوامع و فرهنگ‌ها عاشق می‌شوند. فکر می‌کنید چه زمانی متوجه حضور فردی در قلب خود می‌شوید؟ این حس چه تغییراتی در شما به‌وجود می‌آورد؟ این حسی که پیدا کرده‌اید، زودگذر است یا ماندگار؟ اصلاً این احساس از کجا و چگونه در شما پدیدار می‌شود؟ محققان در جواب همه پرسش‌ها اینچنین پاسخ می‌دهند که فرد در اثر تغییرات مولکولی و هورمونی عاشق می‌شود!

رابطه عشق و هورمون

فرضیه‌های متعددی در مورد اساس زیستی عاشق شدن وجود دارد. برخی می‌گویند که عشق نتیجه اوج‌گیری میزان ماده فنیل ایتلامین، مولکولی پیام‌دهنده در مغز که ساختمان شیمیایی مشابه آمفتامین دارد، است. برخی دیگر افکار ناخونده عشق را به کاهش یافتن سیستم‌های سروتونین م‌ده شیمیایی پیام‌رسان دیگر در مغز نسبت می‌دهند. اما بیشتر پژوهشگران بر این باورند که عاشق شدن عاطفه‌ای است که با اضطراب و ترس ارتباط دارد. آنها اعتقاد دارند افراد اغلب در شرایط ترسناک پیوندهای قوی عاطفی و صمیمی برقرار می‌کنند و معیار آنها برای افراد عاشق فکر کردن به معشوق دست‌کم چهار ساعت در روز و رابطه داشتن با او برای بیشتر از شش ماه است البته گروهی از روان‌شناسان معتقدند احساس عاشق بودن حدود ۱۸ ماه تا ۳۰ سال ادامه پیدا می‌کند ولی نه به شدت اولیه.

اصلی‌ترین هورمونی که در افراد عاشق بالا می‌رود همان هورمونی است که هنگام استرس در بدن ترشح می‌شود بنابراین وجود استرس و برانگیختگی در مراحل اولیه یک رابطه عاشقانه بازتر است.

جالب اینجاست که در مردان درگیر عشق میزان تستسترون، همان هورمونی که مسوول ایجاد میل جنسی و رفتار پر خاشگانه در دو جنس مرد و زن است، کمتر از مردان غیرعاشق است. اما در زنان عاشق میزان این هورمون افزایش می‌یابد که این تغییرات این فرضیه را در بین دانشمندان قوت می‌بخشد که ممکن است عاشق شدن تا حدی تفاوت‌های میان دو جنس را از بین ببرد، یعنی مردان را ملایم‌تر و زنان را تنهامی‌تر کند.

هورمون‌هایی که شما را عاشق می‌کنند

دانش امروز نشان می‌دهد احتمالاً نوع عمل هورمون‌های ما در داشتن یک زندگی سعادتمند دخیل هستند. همه مردها و زن‌هایی که با هم ازدواج می‌کنند، دوست دارند زندگی‌شان دوام داشته باشد، بنابراین سال‌هاست که علم در حال کاوش منشاء عصبی – زیستی احساسات انسان است. داستان‌های رمانتیک پر است از عشق در اولین نگاه، ازدواج، بچه‌دار شدن، خوشبخت شدن و مرگ که با وجود پیچیدگی‌های زندگی امروز، داشتن چنین زندگی‌ای ازروی هر زوجی است و همه مردها و زن‌هایی که با هم ازدواج می‌کنند خواهان یک زندگی عاشقانه و پایدار هستند. در اولین برخورد، بدن شما و مرد مقابل‌تان اطلاعات متفاوتی را رد و بدل می‌کند که تبادل اطلاعات با فرمون‌ها نوعی ترکیبات حیاتی که از غدد لنفاوی زیر بغل ترشح می‌شوند،انجام می‌گیرد.

بعد از طی مرحله نخست، در صورتی که نگاه، خنده یا ژستی از فرد باعث جذب زن یا مرد شود، شخص احساس می‌کند دل‌بسته طرف مقابل است. دلیل آن هم افزایش آدرنالین در بدن است که فعالیت مغزی را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود فرد احساس خوبی داشته باشد.

وقتی فردی حس می‌کند عاشق طرف مقابل شده حالت سرخوشی به او دست می‌دهد و این حالت نتیجه



دلایل علمی عاشق شدن

هما نیکخواه

فعالیت فنیل اتیل آمین یا نوعی آمفتامین مغزی طبیعی است که در شکلات هم وجود دارد و انرژی و اشتیاق فرد را افزایش می‌دهد البته اثر فنیل اتیل آمین دوام چندانی ندارد و برای اینکه این حالت در فرد بماند به فعالیت‌هایی نیاز است تا دوباره سبب ترشح آن شوند. نگران نباشید طبیعت برای آنکه شما را همچنان مجذوب همسرتان نگه دارد ماده دیگری در گنجه دارد. دوپامین، مسبب حس خوشبختی و آرامش در بدن است. اکسی‌توسین هم هورمونی است که «بانی عشق» لقب گرفته است. صدای فرد مورد علاقه، خاطرات شیرین، حتی یک نگاه مهربان باعث ترشح این هورمون در بدن می‌شود. اکسی‌توسین به مقدار زیادی در اولین رابطه عاشقانه در بدن ترشح می‌شود (این هورمون عامل انقباض‌های دوره زایمان هم هست). وقتی دو نفر به هم وابسته می‌شوند و اعتماد کامل بین‌شان شکل می‌گیرد ترشح این هورمون در بدن آغاز می‌شود و در حقیقت می‌توان گفت این هورمون جزو هورمون‌هایی است که ترشح

آنها نه‌تنها دلایل فیزیولوژیک، بلکه احساسی دارد. اکسی‌توسین باعث وابسته شدن و عشق دو فرد به هم می‌شود و افراد را به داشتن یک زندگی بادوام، رابطه زناشویی مکرر و داشتن فرزند و ... ترغیب می‌کند. **مرحله به مرحله عاشق شدن**

دانشمندان و محققان عاشق شدن را به سه مرحله تقسیم کرده‌اند: مرحله اول شهوت است که در هر دو جنس زن و مرد به دلیل وجود هورمون‌های جنسی استروژن و پروژسترون پدید می‌آید که دوره کوتاهی دارد.

مرحله دوم مجذوبیت و دل‌باختن است. از این مرحله است که واقعا عشق یا می‌گیرد. در این مرحله فرد دیگر نمی‌تواند به چیزی جز معشوقش فکر کند. این مرحله از علاقمند شدن باعث فعل شدن واکنش‌های استرس‌زا و افزایش سطح آدرنالین و کورتیزول در خون می‌شود. این فرآیند تاثیر فریبنده‌ای در فرد ایجاد می‌کند. وقتی او را برای اولین بار می‌بینید بدن‌تان عرق می‌کند، قلب‌تان سریع‌تر می‌تپد و دهان‌تان خشک می‌شود. مرحله سوم دل‌بستن است که تعهد طولانی‌مدت را

استروژن و پروژسترون پدید می‌آید که دوره کوتاهی دارد.

مرحله دوم مجذوبیت و دل‌باختن است. از این مرحله است که واقعا عشق یا می‌گیرد. در این مرحله فرد دیگر نمی‌تواند به چیزی جز معشوقش فکر کند. این مرحله از علاقمند شدن باعث فعل شدن واکنش‌های استرس‌زا و افزایش سطح آدرنالین و کورتیزول در خون می‌شود. این فرآیند تاثیر فریبنده‌ای در فرد ایجاد می‌کند. وقتی او را برای اولین بار می‌بینید بدن‌تان عرق می‌کند، قلب‌تان سریع‌تر می‌تپد و دهان‌تان خشک می‌شود. مرحله سوم دل‌بستن است که تعهد طولانی‌مدت را



نوجوان پیش می‌آید که خود را پایین‌تر از حد مطلوب ببیند و تصور کند که به آنچه خود را شایسته آن می‌داند نرسیده است. احساس حقارت به‌وسیله خانواده، گروه هم‌سن و جامعه ایجاد می‌شود. خانواده نقش مهمی در ایجاد این احساس دارد. وقتی فرد در خانواده تحقیر شود، احساس بی‌ارزشی می‌کند. مدرسه پس از خانواده عامل مهمی در شکل‌گیری این احساس است. برخورد معلمان و همسالان در پذیرش یا عدم پذیرش فرد در گروه تاثیر می‌گذارد و چنانچه محیط مدرسه فوق‌العاده رقابت‌آمیز باشد و دانش‌آموز همواره با سایرین مقایسه و تحقیر شود ممکن است خود را ناتوان پندارد و در نتیجه احساس حقارت کند. احساس حقارت کودکان

د - احساس گناه: احساس گناه از هیجان‌های

متداول بین نوجوانان است. وقتی نوجوان کار خود را

۲- نمی‌توانید به او فکر نکنید: فکر شما سراسر از یاد و اندیشه اوست. بی‌دلیل به فکر شما می‌آید و از خود می‌پرسید که آیا به اندازه‌ای که به او فکر می‌کنید، او هم به شما فکر می‌کند؟ همیشه به این فکر هستید که در ذهن او چه می‌گذرد یا حتی فکر تماس گرفتن با او به سرتان می‌زند اما به دلیل ترس از نپذیرفتن او از این کار خودداری می‌کنید.

اگر او آخرین چیزی است که پیش از خواب به فکر شما می‌آید و اولین چیزی است که بعد از بیدار شدن به ذهن شما خطور می‌کند و حتی چندین بار رویای او را دیده‌اید، دیگر لازم نیست ادامه این مطلب را بخوانید تا بفهمید عاشق شده‌اید یا نه.

۳- برای او اهمیت قایلید: اگر عاشق کسی باشید دوست دارید همه چیز را در مورد او بدانید. اینکه او کیست؟ به چه فکر می‌کند و چه چیز او را می‌خنداند. به او و احساساتش اهمیت می‌دهید. اگر به فردی علاقه واقعی داشته باشید اگر او روز بدی داشته باشد یا به خاطر موضوعی ناراحت باشد، شما نیز غمگین و پریشان می‌شوید.

۴- شخصیت و خصوصیاتش برای شما فریبنده و دلرباست: حرکات او هنگام غذا خوردن، قدم زدن، صحبت کردن و همچنین عادت‌هایش در انجام کارها برای شما شادمانی فراوانی به دنبال خواهد داشت.

او چیزهایی می‌گوید که موجب تمایز او با دیگران می‌شود و شما این را دوست دارید.

۵- از تباط تنگاتنگی با او دارید: شما نمی‌توانید عاشق کسی باشید که با او هیچ تناسخی نداشته باشید. اگر شما و او در یک طول موج قرار نداشته و عقاید مشابهی دارید، این نشانه محکمی محسوب می‌شود. هم فکر بودن در مسایل گوناگون، گرفتن تصمیمات مشابه و یکسان حاکی از آن است که می‌توانید عاشق او باشید.

۶- افراد دیگر زیاد به چشم‌تان نمی‌آید: هنگامی که عاشق باشید دیگر رانر شما برای ردیابی دیگران خوب کار نکرده و بقیه در مقایسه با فرد مورد علاقه شما جالب نخواهند بود. به علاوه به تدریج احساس خواهید کرد که او تنها فرد توجیه شما در یک جمع است و کسی است که به دنبالش بوده‌اید.

۷- عاشق وقت‌گذراندن با او هستید: این مساله واضح ولی در عین حال بااهمیت است. شما به دنبال دیدن او هستید. اخیراً قدم زدن با او، زبیاثرن راه گذراندن یک بعدازظهر است، به‌علاوه وقتی از او دورید، آرزو می‌کنید که کاش پیش شما بود.

۸- مطابق با میل او رفتار کنید: سعی می‌کنید با اینکه برخی از کارها مثل رفتن به کتابخانه یا نمایشگاه برای شما خوشایند نیست ولی به خاطر خواسته او بدون جبهه‌گیری و مخالفت به انجام آنها بپردازید. متوجه خواهید شد که خود را با امیال و برنامه‌های او وفق داده و در موارد گوناگون همراهی‌اش می‌کنید. ۹-اولویت‌های دیگر عقب‌نشینی می‌کنند: شما عادت دارید ظهرها به باشگاه ورزشی بروید اما اگر او برای ناهار وقت داشته باشد ترجیح می‌دهید با هم به رستوران بروید. شما دیگر مانند گذشته آدم خوش‌کوشی که کارهای ناتمام خود را آخر هفته‌ها یا خودش به خانه می‌آورد تا آنها را انجام دهد، نیستید و به‌جای آن ترجیح می‌دهید آخر هفته خود را با او بگذرانید. فهرست کارهای روزانه که همیشه اصرار در انجام دادن آنها داشتید اکنون به علت با او بودن دیگر رونق ندارد و توجهی به آن نمی‌شود.

۱۰- شما به آینده‌ای فکر می‌کنید که او نیز جزئی از آن است: در ذهن‌تان با او آینده‌ای نامحدود دارید. این آینده فقط محدود به چند روز و چند هفته نمی‌شود بلکه سالیان سال ادامه خواهد یافت. هنگامی که برای سه ماه بعد به یک جشن عروسی دعوت می‌شوید با اینکه سه ماه مانده، از اکنون از او می‌خواهید که همراه شما در آن مراسم شرکت کند.

آیا اضطراب در نوجوانان غیرعادی است؟

ترجمه: علیرضا سردشتی

- خود را هدف همه انتقادهایم‌اند.
- از مردم کناره‌گیری می‌کند
- بیش از اندازه از دیگران چالپوسی‌می‌کند.
- در موارد رقابت‌آمیز، واکنش‌ها نامطلوبی نشان می‌دهد.
- دیگران را تحقیر می‌کند. خجالت‌نشاهای از احساس حقارت است.
- نوجوان خجالتی وقتی با مردم روبه‌رو می‌شود بیش از حد متوجه خویشتن است و چون فاقد اطمینان شخصی است و از ابراز خود می‌ترسد در بین جمع ساکت می‌ماند و کناره‌گیری می‌کند. خجالت و عدم قدرت ارتباط با دیگران و در نتیجه احساس حقارت بیشترین مشکل دانشجويان را تشکیل می‌دهد.
- د - احساس گناه: احساس گناه از هیجان‌های متداول بین نوجوانان است. وقتی نوجوان کار خود را

روانشناسی

مشاوره

با کودکانی که ارتباط

برقرار نمی‌کنند چگونه رفتار کنیم؟

■ هر خانواده‌ای در ارتباط با فرزندان شیوه خاص تربیتی خود را دارد. کودکان براساس اینکه در سال‌های اولیه زندگی چگونه تربیت شوند و آموزش ببینند، سبک خاص رفتاری پیدا می‌کنند. این سبک رفتاری، الگویی تقریباً ثابت و دایمی برای آنها به وجود می‌آورد و تعیین‌کننده نحوه ارتباطات و برخوردهای آنان نیز هست. یکی از سبک‌های غلط رفتاری کودکان، ناتوانی در ایجاد و برقراری رابطه سالم با همسالان است؛ یعنی کودکانی وجود دارند که راه‌های برقراری ارتباط سالم را نمی‌دانند. این گروه از کودکان گاه تحت عنوان «کودکان لوس» نامگذاری می‌شوند.

یکی از دلایل به اصطلاح لوس شدن کودکان روش‌های غیرقابل قبول والدین به لحاظ تربیتی است. والدین محبت‌کننده افراطی که معیارهای تربیتی و روش‌های یادگیری را در نظر نمی‌گیرند، صرفاً با محبت‌های زیاد مانع اجتماعی شدن رفتارهای کودکان می‌شوند. چنین کودکانی معنای صبر و تحمل را در زندگی نمی‌آموزند و انسان‌هایی عجول و شخصیت‌هایی متزلزل بار خواهند آمد.

نقش تشویق و تنبیه در تربیت کودک

تشویق و تنبیه دو روش متفاوت تربیتی هستند و باید ویژگی‌هایی داشته باشند تا موثر واقع شوند. این دو روش چنانچه به‌موقع و با اصول درست انجام شوند، می‌توانند از لوس شدن کودکان جلوگیری کنند. معمولاً کودکان لوس، والدین تسلیم‌شونده دارند. آنها در مقابل خواسته‌های کودک فورا تسلیم می‌شوند و هر آنچه او طلب کند، رایش فراهم می‌کنند. در خانواده‌ای که کودک لوس پرورش داده می‌شود، اثری از روش‌های تنبیه مناسب دیده نمی‌شود. یعنی چنانچه کودک کار ناشایمی مرتکب شود یا اینکه بخواهد تعیین‌کننده باشد و به والدین خود دستور دهد یا اینکه با داد و فریاد و عصبانیت حرف خود را به کرسی بنشاند، در این خانواده هیچ گونه روش مناسی برای جلوگیری از این رفتارها و جهت‌دهی به آنها وجود ندارد. این نوع خانواده‌ها در لحاظ روان‌شناسی به خانواده‌های محبت‌کننده افراطی یا آزادگزارنده معروفند؛ خانواده‌هایی که بی‌نیاهت توجه، محبت و محافظت در مورد فرزندان خود دارند و در عین حال آنها را برای انجام هرگونه عملی آزاد می‌گذارند. این مساله بسیار اهمیت دارد که میزان مقاومت، ایستادگی و انعطاف خود را در برابر فرزند از من مورد بررسی قرار دهیم. بعضی از والدین پس از مقاومتی کوتاه در مقابل تقاضاهای فرزند، تسلیم می‌شوند و خواسته‌های کودک را به همان شکلی که او می‌خواهد برآورده می‌کنند. وقتی صحبت از قاطع بودن به میان می‌آید، برخی از والدین تصور می‌کنند که جدی و قاطع بودن به این معناست که مثلاً پر خاشگر هم باشیم یا اینکه چنانچه فرزندمان از ما پیروی نکرد، با زور و خشونت موداری را به او تحمیل کنیم. حال آنکه در مقوله‌های تربیتی، قاطع و جدی بودن به این معناست که از اصولی پیروی کنیم و قوانینی برای فرزندان‌مان داشته باشیم. به علاوه، اصرار به اجرای آن قوانین در خانواده وجود داشته باشد. اما چنانچه کودکان از قوانین خجالتی می‌شوند و حتی خلاف آن عمل کنند، برای مثال در جمع فامیل رفتاری از آنها سر برند که مطابق با موازین تربیتی نباشد، آیا لازم است که مثلاً در جمع مورد تنبیه یا سرزنش قرار گیرند؟ مسلماً نه. یادآوری نکات تربیتی و قوانین مورد نظر به کودکان باید در منزل و به‌طور خصوصی صورت گیرد. کودکان برای قضاوت دیگران راجع به خودشان اهمیت فراوانی قایلند و چنانچه در حضور دیگران مورد توبیخ قرار گیرند، رنجیده‌خاطر می‌شوند و در پاری موارد رفتارهای تلافی‌جویانه از آنها سر خواهد زد. چنانچه حریم خانواده امنیت و اطمینان لازم را برای کودک فراهم کند، او به راحتی می‌تواند اشتباهات خود را بپذیرد و هر موردی را که به او تذکر داده می‌شود، تغییر دهد. می‌توانیم به جای نامید کردن مکرر و بی‌دری کودکان، آنها را به داشتن رفتارها و اندیشه خوب و مثبت تشویق کنیم. رفتارهای کودکان و همین‌طور یادگیری بسیاری از رفتارها به رشد سیستم عصبی – مرکزی مربوط می‌شود. پختگی سیستم عصبی – مرکزی باید انجام شود تا کودک‌ی قادر باشد صحبت و حرکت کند، راه برود، معنای بسیاری از مطالب را درک کند و خود قادر به انجام عمل باشد. پس انتظار پیش از موقع و در واقع انتظارات زودرس از کودکان باعث فشارها و استرس‌های روحی برای آنان می‌شود و چنانچه کودکان نیز با کلام و زبان خود، والدین را از این وضعیت آگاه نکنند، این فشارها به گونه‌ای دیگر خود را نشان می‌دهند. مثلاً ممکن است به صورت علایم و نشانه‌های جسمانی با حرکت‌ها و پرش‌هایی که به تیک عصبی شناخته می‌شوند، ظاهر شوند. اهمیت و ضرورت دانستن مطلب و نکات مطرح در مورد رشد کودکان، آن است که به والدین و یک شناخت را می‌دهد که به انتظارات خود نگاه مجددی داشته باشند تا چنانچه انتظارات و خواسته‌های آنها بیش از حد توان فرزندان یا بسیار کمتر از توانمندی کودکان است، رفتارهای خود را اصلاح کنند. فرصت‌هایی که به کودکان داده می‌شود تا در جمع همسالان خود قرار بگیرند، باعث می‌شود ضمن بازی، با هم ارتباط برقرار کنند و بسیاری رفتارهای اجتماعی را از یکدیگر بیاموزند. همکاری، تعاون، اشتراک و نظایر آن از مفاهیمی است که می‌توان با قرار دادن کودکان در گروه همسن به آنها آموخت.